

گفتمان ساختاری رادر حاشیه فجر جدی بگیریم!



احمد میراحسان
 گروه فرهنگ و رسانه

مسائل ساختی تنها مریبوط به زیبایی شناسی صورت فیلم نیستند. این مسائل جزئی از کل مسائل ساختاری هستند و تفکر، نگاه ومحتوای فیلم‌ها هم از اهم مسائل ساختی هستند. تفکر دکارتی در دوگانگی فرم و محتوا و ساختار و اندیشه دیگر جایی در مباحث فلسفه فیلم ندارند.

به این ترتیب ما با اهمیت موضوع تفکر و نگرش فیلم روبه‌رو هستیم. نگاه ایدئولوژیک و ادراک فلسفی و ادراک سیاسی از پدیده انقلاب اسلامی و امر دینی با نظام اجتماعی – سیاسی دینی و جمهوری

اسلامی در فهم محتوای فیلم‌ها و داستانی که در فیلم تعریف می‌شود، نقش اساسی دارد. بیایید فرض کنیم ما باور داریم ادینی در جهان معاصر ناممکن است و حکومت دینی امری مربوط به گذشته پایان یافته است و جایی در زندگی معاصر دارد. با این زیرساخت ذهنی، روایت زندگی شخصی را ادراک می‌کنیم که گرفتار مشکلات متعددا اجتماعی وفقزند و در آستان جدایی. آیا باور این سینماگر تأثیری در سویه تفسیر رخداد‌های اجتماعی ندارد؟

طبق این مثال در وجه نمایش زندگی در جامعه ایران، جریان مدرن کاملاً به‌تصویر متفاوتی می‌رسد. فرض کنید افکار فیلساز ما همان اندیشه‌ای است

که به «امکان امر دینی در جهان معاصر» به دیده نفی می‌نگرد و به موضوع جامعه‌شبه مدرن در ایران و راه حل مدرن شدن اعتقاد دارد. در این صورت او به تغییر ساختار ولی نه به سود تحولی دینی بلکه عکس آن می‌اندیشد. یعنی تغییر جامعه‌شبه مدرن به جامعه مدرن گفت‌وگو پیرامون شبه مدرنیسم ایرانی و ضرورت تغییر ساختاری بازنمایی ناگزیر در داستان ما دارد. اما کدام تغییر؟ هر جریان فکری تغییر خود را از تغییر ساختی دارد. انقلاب اسلامی پدیده‌ای است که در جهان معاصر تنها بر مبنای ادراک حق و تکلیف دینی – اسلامی قابل فهم است. یورش به انقلاب اسلامی یا نفی آن ونظام دینی برآمده از آن در عالی‌ترین جلوهی فکری‌اش با ادعای عدم امکان زیست دینی در جهان معاصر ظهور فلسفی یافته است. متفکرانی که با این دستاویز یعنی نفی عبودیت و کفرستیزی جهانی و نفی امکان قیام برای ماواگریندر در ساحت الوهیت به عنوان عبد به میدان می‌آیند در حقیقت برای نفی حکومت دینی و برانداختن آن به عنوان امری مضر برای مردم که به مشقت و بحران و رنج و قتل و مفرق و دچار و گرفتار کردن شان منجر شده، تلاش و کار فکری می‌کنند. این شالوده در سینما به چه منجر می‌شود؟

سرشت دینی در سینمای ایران

توصیف جهان نهیلیستی، تکنولوژیک، ظلمانی مدرن، پسامدرن و امر وسیع بی دینی و سرشت دین‌ستیز مدرنیته کار ساده‌ای است. نکته دقیق آن است که این توصیف در خدمت کدام تغییر و چیست؟ در خدمت عدم تسلیم به ضدتوحید مدرنیته ونفی مدرنیته دروسع خود و به‌طور فردی یا جمعی برای غلبه بر جاهلیت نو تلاش کردن تا در الوهیت فی... مااواگرینیم یا برعکس به این ایده ووسوسه شیطان بگرویم که در عصر مدرن امر دینی دچار مرگ شده، چنان‌که نیچه آن را فریاد کرده، باید دست‌پسته به آن تن داد و در ظلمات مدرنیته و بی‌ایمانی ونیست‌انگاری مدرنیته متأخروکنونی وموسوم به پسامدرن غرق شد. روند این داستان اما با باور به اسلام، روند دیگری می‌یابد. اسلام با این وسوسه ابلیس و شیاطین و خاسان و امید آفکد دادگی فردی و اجتماعی برای تأسیس جامعه سالم در مسیر قیام موعود عدل جهانی (عج). شدیداً مخالف است و حتی اگر مثل قوم لوط یک نفر باقی بماند، باید از این سرسپردگی به نیست‌انگاری، کفر، فساد و مدرنیته سربلاید و یقین بپردازد امکان مقاومت در اشکال گوناگون وجود دارد و اگر فعلا موعود نابودی تمدن کفر و جاهلیت جهان مدرن نرسیده ولی همیشه عهدا بستادگی و ادای تکلیف است، به شکلی که از دست برآید و همیشه یک نفر که کلاس بریمی باید و مخلص... (عج) است، ولو در غیب، در مقام امام معصوم و زنده و فعال وجود دارد تا دعوت به عصیان علیه فرعونیت، استکبار و شیاطین تا ظهور کامل حق و اسلام تداوم یابد. خدا هیچ دم نمی‌میرد و ما در محضر او هستیم و او از صحنه حیات هیچ دم خارج نمی‌شود و هیچ قدرتی جز او حقیقت واصلت ندارد و آزمون انسان همین عبودیت و تحمل مقاومت در زمین و سعی و جهاد است؛ گاه ولو به تقیه. می‌بینیم که چگونه اصلا داستان در این فضای فکری تغییر می‌یابد و نگرش اسلامی ضرورت‌های خود را بر گردن داستان می‌آویزد. از نظر یک نظم دینی، مرگ امر دینی بر حسب توصیف سطحی زیست تاریخی و

برش

وظیفه نهاد‌های فرهنگ و هنر و سینما

بیش از یک قرن ونیم می‌گذرد از زمانی که نیچه مرگ امر دینی را با بیانی ترازیک و پیامبرگونه اعلام و اعلان کرد۔ همچون پیامبر عصر نوی ضدپامبری که راهی ندارد جز پذیرش دجال بودگی!- در همه این دوران مدهای گوناگون مدرن، سخن از پایان حیات دینی و معنوی و پایان گشودگی به ساحت قدس در جهان کنونی کردند ازجمله هایدگر که دکتر عبدالکریمی ارادت ویژه به اندیشه‌های بلند ضدمتافیزیکی او دارد و تاریخی‌گری هایدگری ازجمله محصولات فلسفی این علقه هایدگری اوست. اندیشه ضرورت مدرن شدن با نفی جامعه شبه‌مدرن و نفی

صوری مدرن و ناپینایی حقیقت باطنی جهان و انسان‌ها، یک اشتباه محض است، زیرا چگونه معتقدان به افکار هایدگر و پایان گشودگی در عصر تکنولوژیک بر تجربه زیست باطنی بشريت گرفتار در بحران‌های عصر مدرن اشراق دارند و بر اراده خدا احاطه داشته یا بای باوری به قدرت و اراده مطلق باری تعالی اصل خلق نوبه نو و نوعیتاریخی بنیادین را مردود می‌شمرند که به خواست حق تعالی، رشته‌ها و عزم‌گمراه بشری ونظام قدرت کافرانه را ناکارآمد می‌کند؟

این متفکران نداد‌دهنده مرگ امر دینی چگونه با شرح بی‌ایمانی مدرن می‌توانند با نادانی وسیع بشری به کار الهی، چنین ادعای مرگ تاریخی دین را نشر دهند. ظهور خود انقلاب اسلامی در اوج باابوری مدرن‌ها و جهان و گسترش دین و جهاد علیه کفر و تجلی ایمان و استیصال استکبار، سخن خدا یا انسان است تا به ظواهر متکی نباشد و ادای تکلیف کند و در اوج باورنایدیبری، اراده الهی و رخداد دین و پیروزی بتواند بی‌توان معانعت هر نیروی شیطانی محقق شود. اما توصیف سرشت ضددینی جهان مدرن و پیامدین به وسیله متفکران مدرن به نومیدی از پیروزی حزب... منجر می‌شود.

«نیست‌انگاری فهم سینمای مدرن» ببینیم این توصیف در زبان دکتر عبدالکریمی به کجا ختم می‌شود و تأثیرش در سینما چیست؟ شارح فلسفه هایدگر که ندای نیچه را تکرار می‌کند، چنین کوشیده تادرباره این تقدیر نومیدانه به اندیشه پیردازد. آیا در عصر و جهان کنونی و با توجه به آن که سوزگونیوسم، سکولاریسم و نهیلیسم حاصل از آن به آخرین مرزهای بسط خویش رسیده است، زیست دینی نه در معنای اعتقاد به یک نظام تنئولوژیک یا به منزله بخشی از فرهنگ، میراث تاریخی و مؤلفه‌ای از مجموعیت و رویدادی اجتماعی یا به منزله ابزای پژوهشی، بلکه در معنای «گشودگی به ساحت قدس» و «قیام و ماواگریدن در ساحت الوهیت» از اساس برای بشر روزگار ما امکان پذیر است؟... یا ما باید از عدم امکان زیست دینی سخن بگوییم؟ آیا می‌توان گفت متون مقدس ماهیتا به پایان خود رسیده، چرا که نمی‌توانند رسالتی وجودشناختی و بنیادین را در این جهان برعهده گیرند و دوران رسالت وجودشناختی شان به پایان رسیده است؟ پاسخ فیلسوف مثبت است. از نظر مدرن‌ها، مرگ و پایان امر دینی حقیقت محض است و این فهم سینمای مدرن و دچار نیست‌انگاری را بی‌ریزی می‌کند.

می‌بینیم دامنه تأثیر ایدئولوژی تا کجاست. جشنواره فجر باید به پایگاه این مباحث بنیادین در حاشیه‌اش بدل شود، زیرا گفت‌وگوی روشنگرانه خود تبدیل به نیروی آگاهی و نگاه می‌شود و سینماگران را تحت تأثیرش قرار می‌دهد.

راهی با آگاهی امکان پذیر است. تغییر ساختار سینما و

رهاشدن از اسارت نیست‌انگاری غرب و شرق با شناخت

افکار نیست‌انگاران مقذور خواهد شد. مدرن‌هایی که به

مرگ امر دینی در جهان معاصر اعتقاد دارند، بدین سان در

سینمای خود اساسا با امکان نیل آدمی به امری فراسوی

آگاهی و ساخت قدس از اساسی می‌ستیزند و آن را انکار

می‌کنند.

معرفت‌شناسی آثار جشنواره فجر

البته از نظر ایران سرچشمه امر دینی در روزگار ما، نه در خود متون مقدس بلکه در رویدادگی خود تاریخ هستی و به دنبال آن در تغییربری است که در تلقی بشر از سرشت متون مقدس و نسبت ما با این متون صورت گرفته است. ایشان به تفصیل به توضیح مرگ امر دینی می‌پردازند. سینمای جمهوری اسلامی اما با این نگرش آشتی نمی‌کند و سینمای دینی حقیقت‌گرا و معناگرا را بسط می‌دهد که شالوده آن پذیرش آموزه‌های وحی و کلام مقدس خدا است که با این حدس و گمان تسلیم طلبانه به شیطان مدرنیته و فرعونیت عصر حاضر شدیداً مخالفت دارد و آن را مطلقاً نفی می‌کند و دین را ولو دین تنها مانده حضرت لوط در قوم فاسد و کافور را حیات‌مند می‌داند و این انسان شیطان‌زده و جهان شیطان‌گراست که با همه فرصت برای بازگشت به حق، اگر بیدار نشد به مرگ محتوم محکوم می‌شود نه خدا و دین خدا، مرگ نمی‌پذیرد و در نهاد انسان‌های فراوانی باز تولید می‌شود و سینمای انقلاب اسلامی و آثار جشنواره

ساختار بحران‌زا و تغییر ساختی،

نفی الهیات و نفی گشودگی به امر

قدسی در جهان معاصر برساتحه

همین باور اوست.

سینمای جهان منادی این مرگ دینی است و متأسفانه سیاست و اداره لیبیرال سینما حضور این نگاه را در فیلم‌های روشنفکران قوام بخشیده است. امروز جشنواره فجر اگر می‌خواهد در مسیر دین اسلام و نگاه انقلاب اسلامی حرکت کند باید به تشویق آثاری بپردازد که پرشس عالم غیب در زندگی روزمره را احیا می‌کنند. مبارزه با نیت‌انگاری در فیلم‌ها اولین وظیفه نهاد‌های فرهنگ و هنر و سینمای ماست.

فجر باید از این معرفت در قالب داستان سینمایی مشحون شوند و در ژانر‌های مختلف ولو کم‌دی نشان دهند اضمحلال تمدن کفر در زمین و ظهور قطعی ظهور حق و ایمان کامل تردید‌ناپذیر است و پایان گشودگی به الوهیت و مرگ دین، خود فریب ابلیس و شیطان انسی، یعنی روح کافرانه مدرنیته است.

نقش جشنواره فجر

برای واقع‌گرایان رابطه انسان با آسمان

مایک عالم ویک تاریخ ویک زمان نداریم. همزمان در حقیقت هستی هر دم عالم‌های مختلف حیات دارند. علم و تاریخ نبوی در کنون جهان، همان عالم و تاریخ مدرن نیست و قدرت و اعضای این دو

عالم در باطن یکی نیستند و قوه... و قوه فرشتگان و قوه امام و ولی... (عج) به مومنان باری می‌دهد. تصور ناید بر برای کافران، می‌تواند بنا به مشیت... در این کره ارض و در این عالم مدرن دین حیات دارد و برای همین قدرت مومنان و اولیای مومنان و اهل قیام برای ماواگریدن در دین و الوهیت به‌طور تصور ناید بر برای کافران، می‌تواند بنا به مشیت... غالب شود و بر قدرت مدرن نسبتاً فایق آید تا عهد غلبه کامل برسد و فرمان صادر شود. جشنواره فجر باید واقع‌گرایی مورد غفلت قرار گرفته رابطه انسان با آسمان را نمایش دهد تا مردم به نیرو گرفتن از خدا و فرشتگان باور پیدا کنند و متلادانند قدرت امام از اوست یا قدرت آقای بهجت و اولیای گمنام خدا زمانی که مشیت خدا عمل می‌کند.

می‌تواند بر شیطان بزرگ بچربد و او را در هم پیچد و پیروزی به‌بار آورد، زیرا از انسان مومن امام زمان (عج) پشتیبانی می‌کند. قدرت... متجلی در قدرت امام خمینی می‌تواند به تجدید دین، حاکمیت و حضور و احیای دین ختم شود و به قیام موعود نظام جهانی (عج) بپیوندد. زیرا باز پشتیبانش و سربرشته حیانتش خداست و مشیت او

از بنده‌اش وسیله جنبش و حیات و احیا ساخته است. جشنواره فجر باید محل گفتمان انقلاب اسلامی در سینما و بسط معارف تقلین به زبان فیلم باشد. انسان مدرن و بی‌ایمان همه را با خود قیاس می‌کند و تنها آگاهی او مغز محاسب گسسته از عقل نوری است که توان باطن نگری در کار جهان ندارد و باین دیدار حق بیگانه است و این را به تصویر سینمایی بدل می‌سازد.

دوری گزیدن از سینمای روشنفکری

سینمای روشنفکری در جشنواره فیلم فجر بر از آثاری بوده که مبین این نگاه کافرانه بوده‌اند و مخاطبان قریب ظواهر را می‌خوردند اما سنت و وعده‌الهی درباره اهل ایمان و جهاد و ادای تکلیف اجرایی شود و شدید القوی، خداست و قوه خود را به فرشته و انسان افاضه کرده و جبرئیل و امام زمان (عج)، با قدرت الهی، قادر و مرید و دارای عزت هستند. در این صورت حتی از شکست ظاهری محض مثل عاشورا پیروزی مطلق و بالاخره با منتقم کربلا پیروزی نهایی و عینیت یافته، تعیین می‌یابد و ما نباید نسبت به حقیقت عیان این تجدید حیات دین پیش چشمان مان کور و عناد داشته باشیم. سینمای ما با این جهل نسبت به حقیقت باید مبارزه کند. در جهان واقع و در جهان سینما مدرن‌ها از درک این حیات دین در شرایط مشقت بار آخرالزمان که آزمون سختی است و افراد صبح مومن از خانه بیرون می‌روند و شب کافر بازمی‌گردند، پره‌ای ندارند. و هیچ بصیرت و باوری نمی‌توانند داشته باشند و گم‌گشته در مادی‌اندیشی زمینی/ تاریخی خود و بی‌خبر از جاری بودن کوثر و تاریخ نبوی در همین تاریخ عصر مدرن و ناسوتی‌اند و این جهل را به فیلم بدل می‌سازند. سینمای اهل ایمان باید برعکس عمل کند و در یک اثر عاشقانه یا پلیسی این معرفت را انتقال دهد و توحید، عالم غیب و امام موعود باید در آثار جذاب دراماتیک ابلاغ شوند.

مرگ امر دینی در جهان معاصر محصول همین بی‌ایمانی فلسفی و بی‌خبری از عمل اراده و مشیت الهی در باطن همین جهان و زمان و سخن گفتن درباره چیزی است که نمی‌دانند و راهی به نشانه‌های باطنی و محضر حق ندارند ولی حق و دین حق و حضور حق رونده است و همه چیز در محضر حق و قدرت لایزالش می‌گذرد و باور و عدم باور کفر، اثری در این حیات حق و دین حق ندارد و عصر مدرن خارج از مشیت و آزمون حق متعال و حیات ناب حق رخ نداده است. پس اساساً ناتوانی در ورود به راز رخداد‌ها به سبب عدم تزکیه و ایمان، دلیل مرگ حق نیست. ورنه رازآلودی هستی مشند

است زیرا ما احاطه‌ای به حق نداریم و مشیت جاری الهی همواره و چه کفر بداند و چه داندان رازآمیزش را در کار جهان حفظ می‌کند. این سینمای جمهوری اسلامی است که باید این چهره حیاتی را به نمایش بگذارد.

حاشیه‌نگاری

در روز اول و دوم جشنواره چه دیدیم؟

برف، جشنواره را زیباتر کرد



آرش شفاعی
 گروه فرهنگ و هنر

بالاخره جشنواره آغاز به کار کرد، قدمش هم مبارک بود و تهران سپیدپوش شد از برف. منظره تهران از فراز برج میلاد درحالی‌که دانه‌های سفید برف رقص‌کنان روی سر شهر می‌ریزند، لذت فیلم‌دیدن در جشنواره‌ای که حالا به ایستگاه چهل‌ودوم

رسیده است را بیشتر کرده است. البته فیلم‌های روز اول

جشنواره چندان دلچسب نبودند ولی در روز دوم یعنی

جمعه شاهد نمایش فیلم‌های بهتری بودیم و شاید اگر قرعه

روز دوم، روز اول از آب در می‌آمد، شاید شروع بهتری برای

جشنواره بود.

ماجرای تأخیر در نمایش فیلم‌ها، دست از سر جشنواره

برنمی‌دارد. گاهی این تأخیرها به‌صورت استشنا، پیش

می‌آید که با ارفاق قابل گذشت است اما وقتی در روز نخست،

تمامی فیلم‌ها با تأخیر نمایش داده شدند، این مسأله همه

برنامه‌ریزی‌های دست‌اندرکاران جشنواره، خبرنگاران و

منتقدان را به‌هم‌ریخت. مهم‌ترین دلیلی که برای تأخیر در

نمایش فیلم‌ها در روز نخست عنوان شد این بود که به‌دلیل

تأخیر در انتخاب محل نهایی جشنواره، سالن همایش‌های

برج میلاد برای میزبانی از جشنواره فیلم فجر آماده نبوده است.

البته مجتبی امینی، دبیر چهل‌ودومین جشنواره بین‌المللی

فیلم فجر در ابتدای نشست رسانه‌ای فیلم «دروغ‌های زیبا»

سعی کرد انگشت اتهام این بی‌برنامگی را از دوش سازمان

سینمایی بردارد و گفت اعضای ستاد برگزاری جشنواره طی

۲۲ ساعت گذشته شبانه‌روز در تلاش برای هم‌یکاردن شرایط

مطلوب برای برگزاری جشنواره بوده‌اند. به‌رحال آنچه اتفاق

افتاده این است که با وجود همه تلاش‌ها، برنامه‌ریزی حداقل

در ابتدای جشنواره، نامیدکننده بوده است و امیدواریم، این

مسأله در روزهای بعد تکرار نشود.

یکی از کارهای خوب جشنواره امسال این است که هر

روز، برگزاری جشنواره را به یکی از هنرمندانی تقدیم می‌کند

که در سال گذشته، از دست‌رفته‌اند. روز نخست جشنواره به

زنده‌یاد ایرج تقی‌پور، تهیه‌کننده فقید سینمای ایران مژین

شد و مجتبی امینی، دبیر چهل‌ودومین جشنواره بین‌المللی

فیلم فجر، پیش از برگزاری نشست رسانه‌ای فیلم دروغ‌های

زیبا، از خانواده زنده‌یاد تقی‌پور قدردانی کرد. روز دوم

جشنواره هم به زنده‌یاد فریماه فرجامی تقدیم و از این بازنگر

فقید سینما تقدیر شد. همچنین در ابتدای نشست خبری

فیلم «شکار حزلون» هم به یاد زنده‌یاد حسام محمودی

یک دقیقه سکوت و فاتحه‌خوانی اعلام شد؛ سنت‌های

خوبی که جای تقدیر دارد.

فیلم «بی‌بدن» از فیلم‌هایی است که حتی قبل از

شروع جشنواره هم با حاشیه و خبر همراه بود. اخبار

پشت‌پرده‌ای به گوش می‌رسید که درخصوص این فیلم

بین شهرداری و سازمان سینمایی، اختلاف‌نظرهای

جدی وجود دارد. به‌رحال این فیلم در جشنواره در

بخش نوعی نگاه پذیرفته و نمایش داده شد؛ اما در همان

روز اول خبرساز شد، آن‌هم نه توسط کارگردان یا تهیه‌کننده

بلکه با اعتراض یکی از بازیگران فیلم یعنی النا شاکردوست.

شاکردوست که در یکی از سینماهای مردمی جشنواره حضور

داشت، بالای سن رفت و به عملکرد مسئولان جشنواره

به‌شدت اعتراض کرد و گفت مسئولان جشنواره با بردن این

فیلم به بخش نوعی نگاه، آن را زنده به‌گور کرده‌اند.

اصغر نعیمی، از منتقدان باسابقه و فیلمسازانی است

که کارنامه قابل توجهی در سینمای ایران دارد. فیلم او «دو

روز دیرتر» در روز نخست به نمایش درآمد، اما پخش این

فیلم با دلخوری و عصبانیت کارگردان همراه بود چراکه

در یک ناهماهنگی غیرقابل‌بخشش، عوامل اجرایی برج

میلاد، کارگردان فیلم را نشانختند و او را به سالن نمایش فیلم

راهندانند؛ این مسأله باعث شد آقای کارگردان از کوره در

برود که البته مسأله به‌سرعت حل و فصل شد. این گونه

ناهماهنگی‌ها در جشنواره به‌هیچ‌وقت قابل توجهی

نیست و آن‌شاء... که دیگر شاهد آن نباشیم.

یکی از فیلم‌هایی که روز اول به نمایش درآمد،

دروغ‌های زیبا بود که تولید مشترک ایران و بنگلادش

است. خود کارگردان هم در نشست فیلم درباره تولید

مشترک حرف زد و حتی از احتمال این‌که این فیلم به‌عنوان

نماینده بنگلادش در اسکار معرفی شود. نکته قابل‌توجه

این بود که عوامل فیلم ازجمله جایا احسن که یک

ستاره مشهور بالیوود است، به نشست آمده بود.

او در این نشست درباره آرزوی همکاری‌اش با

فیلمسازان مشهور ایرانی نظیر داریوش مهرجویی و

عباس کیارستمی حرف زد. آرزویی که اگرچه دست اجل

فرصت محقق شدنش را نداده ولی به‌رحال باعث شد یاد این

چهره‌های جهانی سینمای ایران زنده شود.

در میان فیلم‌های روز اول «ظاهر» از بقیه یک آب

شسته‌تر بود؛ فیلم کم‌ادعایی که بازیگران ستاره و قصه

جنگالی ندارد اما مخاطب را درگیر خود می‌کند. رتبه بعدی

را باید به فیلم دو روز دیرتر بدهیم که این فیلم هم، آبرومند و

خوب بود. البته برخی فیلم‌ها هنگام پخش با واکنش‌هایی از

طرف برخی منتقدان هم مانند سال‌های قبل روبه‌رو شدند که

این‌گونه واکنش‌ها، دلخوری عوامل فیلم را باعث شد؛ ازجمله

واکنش‌هایی که هنگام پخش فیلم شکار حزلون روی داد.



مجازی



نودادشت
 فرمیه‌های
 در روز دوم جشنواره



نشست خبری
 فیلم سینمایی
 ظاهر



نشست خبری
 فیلم سینمایی
 شکار حزلون



نشست خبری
 فیلم سینمایی
 زیبا



نشست خبری
 فیلم سینمایی
 دروغ‌های زیبا



نشست خبری
 فیلم سینمایی
 کشت‌وکار با کارگردان
 محمدرحمن
 سبزی



نشست خبری
 فیلم سینمایی
 شکار حزلون



نشست خبری
 فیلم سینمایی
 کشت‌وکار با کارگردان
 محمدرحمن
 سبزی



نشست خبری
 فیلم سینمایی
 کشت‌وکار با کارگردان
 محمدرحمن
 سبزی



نشست خبری
 فیلم سینمایی
 کشت‌وکار با کارگردان
 محمدرحمن
 سبزی



نشست خبری
 فیلم سینمایی
 کشت‌وکار با کارگردان
 محمدرحمن
 سبزی

جشنواره فیلم فجر را در شبکه‌های مجازی روزنامه جام جم دنبال کنید